مجموع سه شأن طبیعت، ملحوظ در معنای «کلیة»

حال سراغ «کلیة» برویم. «کلیة» یعنی یک طبیعتی که خودش عاجز بود و ممکن الوجود بود، خدای متعال با قدرت خودش آن را موجود میکند؛ ویجده و یفطره؛ «فاطر السماوات». به آن فطور میدهد و فرد میشود. «طبیعت در ظرف وجود به ظهور آمده است در ضمن افراد خودش»، کلش را در نظر بگیری. نه طبیعت عاجز که در موطن امکان ذاتی است، نه فردی که فعلاً در موطن وجود است، مجموع طبیعت ممکنهای که به قدرت خداوند در ظرف وجود آمده است را در نظر بگیری؛ این کلیة الانسان است این «کلیة» مستشهد علی ربوبیته. در اینجا است که مدبریت و ربوبیت خداوند متعال جلوهگر میشود.

شاگرد: معنای لفظی آن چه میشود؟ جمیع میشود یا مجموعه؟ چه چیزی ترجمه میکنید؟

استاد: اگر مقصود شما از جمیع، تکتک اینها است، خیر. من میخواهم بگویم: جمیع بهمعنای مجموع است. «و بکلیة الاجناس»؛ شما هر جنسی را در نظر بگیری، وقتی در ظرف وجود میآید، مجموعهای از شئونات را تشکیل میدهد. این مجموعه چه چیزی را به ظهور میآورد؟

شاگرد: مجموعهی هر جنسی؟

استاد: بله و لذا گفتم «الانسان». «و بکلیة الانسان». اجناس یعنی کل واحد واحد من الاجناس. یک کلیت دارند؛ یعنی یک مجموعه درست میکنند. مجموعهی آن چیست؟ طبیعتش در موطنی که هنوز ممکن الوجود است و فردش در خارج که نیاز به ایجاد خدای متعال دارد و زوالش که خدا آن را از بین میبرد. پس به مجموعهی طبیعت و فردش، فطورش و زوالش، امکانش و ...، مستشهد علی ربوبیته. ربّچه کسی است؟ ربّکسی است که آن طبیعت را از موطن امکان و عجز، موجودش میکند و بعد هم در ادامه آن را از بین میبرد.

شاگرد: یک شئون هم در تقدیر گرفتید؟ یعنی مجموعه شئون هم جنس؟

شاگرد ۲: خود این جنس که در مقام طبایع هست، این هم از ربوبیت خداوند در میآید؟

استاد: من میخواهم ربوبیت را در علم هم ببرم. به تعبیر کلاسیک، خود فیض اقدس هم در شأنیت ربوبیت الهی نقش ایفاء میکند. فقط در عالم وجود، ربوبیت نیست. در همهی اینها هست. اگر ربوبیت را فقط در دار وجود بگوییم، ربوبیتش در افراد ظهور کرده است. اما اگر ربوبیت مطلقه بگوییم ... .

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:49:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:50:52 توسط ... .